

# پنجاه سال زندگی ادبی

نوشته با جین

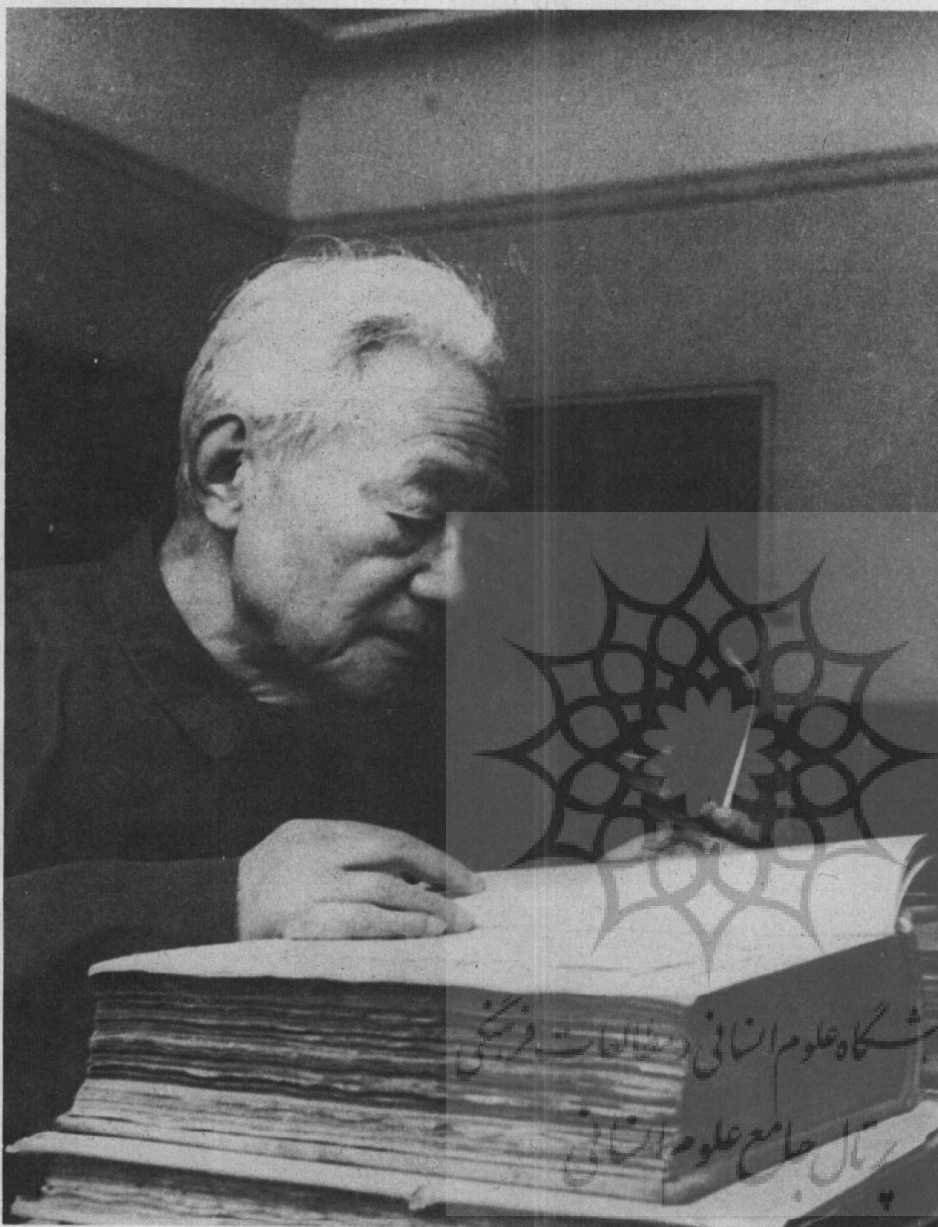


Photo © Chinese edition of the UNESCO Courier, Beijing

وقتی مردم چین آزاد شدند و جمهوری خلق چین تشکیل شد، می‌خواستم قلمم را که برای نوشتن درباره تاریخ و تیره‌بختی به کار برده بودم برای نوشتن درباره مردم تازه و کردارهای تازه به کار ببرم تا از این راه پیروزی و شادی مردم را جشن گرفته باشم. اما برای آشنا کردن خود با این موضوعات وقت کافی نداشتم. در فعالیتهای غیرادبی هم شرکت می‌کردم.

در ستایش جامعه تازه و زندگی تازه‌مان بسیار نوشتم. طی دوره دهساله «انقلاب بزرگ فرهنگی» از این نوشته‌ها به عنوان مدرک «جرم» بر ضد من استفاده شد و این آثار به عنوان «علفهای هرز سمی» محکوم شدند. خود من به طور غیرقانونی بازداشت شدم و همه نوع شکنجه روانی و تحقیر را تحمل کردم. از همه حقوق مدنی خود محروم شدم و آزادی نشر را از من دریغ داشتند.

این ده سال فراموش نشدنی حادثه مهمی در تاریخ بشر به وجود آورد. تنها شمار اندکی از نویسندگان جهان چنین رویدادهای هراسناک، مضحک و دردناک‌تری را تجربه کرده‌اند. در این رویدادها همه ما دخالت داشتیم، همه ما نقشی بازی کردیم، و امروز وقتی به گذشته باز می‌گردیم و به آنچه طی سالها انجام دادیم نگاه می‌کنیم رفتارمان را مضحک می‌یابیم — اما در آن زمان چنین به نظر نمی‌رسید. غالباً به خود می‌گویم که اگر آن ده سال دشوار را جمع‌بندی نکنم و روان خود را صمیمانه نکاوم، ممکن است روزی دوباره ستم، وحشیگری و حماقت را جزئی از نظام عادی امور در نظر بیاورم.

وقتی قصه‌هایم را می‌نویسم، هرگز به صناعت یا شیوه‌های بیان فکر نمی‌کنم. آنچه بدان اهمیت می‌دهم این است که چگونه به مردم کمک کنم تا زندگی بهتر و شایسته‌تری داشته باشند، و اینکه چگونه به خوانندگان کمک کنم تا شریک جامعه و شریک مردم باشند. همه نوشته‌های من دارای این هدف است.

وقتی در سپتامبر ۱۹۸۱ در پاریس با گروهی از چین‌شناسان دیدار کردم، کسی از من پرسید که چگونه از

با جین در سن ۷۷ سالگی در خانه خود در شانگهای، ۱۹۸۲

«انقلاب فرهنگی» جان به در برده‌ام. اشتیاق صمیمانه آنها به دانستن چیزی که به نظر ما کاملاً عادی می‌رسید، ذهن مرا به کار انداخت. آن ده سال هراسناک به من چیزی آموخته بود. سرانجام پی بردم که از آن سالهای دراز مصیبت چه یاد گرفته‌ام.

آن چیزها بتدریج در ذهن من روشنتر شدند. باید عشق، آتش، امید، و خصوصیتی مثبت بوده باشد. بسیاری جان به در بردند زیرا دارای این خصوصیتها بودند. اما بسیاری نیز نابود شدند و عشق، آتش و امیدشان را برای ما باقی گذاردند تا به آیندگان بسپاریم. نه، من هرگز قلم بر زمین نخواهم نهاد.

دسامبر ۱۹۸۲

با جین Ba Jin، متولد ۱۹۰۴، از رمان‌نویسان مشهور و مدرن چین است. آثار عمده او عبارتند از سه‌گانه عشق (مه، باران، آذرخش)، سه‌گانه سیل (خانواده، بهار، پاییز)، و یادداشت‌های زندگی نویسنده‌گی من.